



مشخصات کتاب

نام کتاب:	پیامی به امت
تعداد:	۲۰۰۰ جلد
سال چاپ:	۱۴۳۲
نوبت چاپ:	اول
مترجم:	استاد احمد ظاهر اسلمیاری
ویراستار:	ابو ابراهیم "خراسانی"
ناشر:	مرکز نشراتی الصادقین

پیامی به امت از

شیخ ابو مصعب زرقاوی

گرد آورنده و مترجم: استاد احمد ظاهر اسلمیاری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين و الصلوة و السلام على
قائد المجاهدين محمد بن عبدالله و على آله و
على صحبه، اما بعد...

بنا بر درخواست برادران بر آن شدم تا شرح
حال کوتاهی از آن امیر الاستشهاديين، آن شیر
موحدین، آن الگوی مجاهدین، آن که پرچم جهاد را
در عراق بر افراشت و پایه های دولت اسلامی عراق را

باشیم نه زندگانی که فقط در این دنیا جسمشان زنده است و روحشان مرده.

دوران کودکی و جوانی:

نام اصلی شیخ رحمه الله «احمد فضیل نزال الخلالیه» می باشد که در ۲۰ اکتوبر سال ۱۹۶۶ میلادی در محله فقیر نشین «معصوم» در شهر «زرقاء» - دومین شهر بزرگ اردن - متولد شد. شهر زرقاء به عنوان شهری که بیشتر ساکنان آن را اتباع فلسطینی تشکیل می دهند معروف است. ابومصعب (رحمه الله) همچون علی بن ابی طالب (رضی الله عنه) که بر خلاف عقیده پدرش و عقیده اجدادش به رسول الله (صلی الله علیه

بنا نهاد و آن شهید راه الله شیخ ابومصعب زرقاوی رحمه الله تعالی بنویسم تا چراغ هدایتی برای مشتاقان جهاد و شهادت فی سبیل الله باشد. و او هم اکنون (نزد الله) زنده است و مرده پنداشتن او بسی خطاست زیرا که الله سبحانه و تعالی می فرماید:

«وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» (آل عمران ۱۶۹)

"و گمان مبرید در باره آنانیکه در راه الله کشته شده اند که مرده اند. بلکه آنها زنده اند نزد رب شان روزی داده میشوند".

پس به زندگی نورانی شیخ ابومصعب الزرقاوی رحمه الله می نگریم تا از راه یافتگان و زندگان حقیقی

امینه، روضه، محمد و مصعب شد که کنیه اش را از پسر کوچکش به نام مصعب گرفت (ابومصعب).

ابومصعب در دوران جوانی به دنبال مادیات، نفسایات و پی بازیگوشی بود. او به مدت یک ماه در شاروالی کار کرد اما در آنجا نیز دوام نیاورد. سرانجام با ازدواج و متاهل شدن او آهسته آهسته خوی آرام و دلپذیر اجتماعی گرفت و اغلب وقت خود را صرف انجام فرایض الهی و رفتن به مسجد محله اش به اسم مسجد (فلاح) میکرد.

هدایت ابومصعب هم زمان بود با جهاد مسلمین با شوروی در جبهه افغانستان و ابومصعب با تحت تاثیر قرار گرفتن از دعوت جماعت‌های سلفی برای الله تعالی هجرت کرد و شهر و خانواده خویش را ترک کرد.

و سلم) ایمان آورد و هم رزم او شد، او نیز بر خلاف قبیله ای که در آن بدنیا آمد یعنی قبیله بنی حسن که به نزدیکی با طاغوت اردن معروف هستند- پیرو منهج حقیقی و راه مستقیم و عقیده جهادی گشت.

شیخ ابومصعب (رحمه الله) در کودکی زندگانی فقیرانه ای داشت و اغلب هم بازی های دوران کودکی او را کودکان فلسطینی تشکیل میدادند.

ابومصعب رحمه الله به دلیل تنگ دستی و فقر نتوانست ادامه تحصیل دهد و در مقطع دوم مکتب ترک تحصیل کرد.

او در آغاز جوانی در زرقاء با یکی از دخترهای خانواده اش ازدواج کرد و از او صاحب چهار فرزند یعنی دو دختر و دو پسر به نام های

تسلیمات نظامی را از خاک اردن به فلسطین با کمک تعدادی از دوستانش بفرستد اما نیروهای مرتد اطلاعاتی حکومت اردن آنها را دستگیر کردند.

زندان مکانی برای پرورش روح ابومصعب شد زیرا که او با رهبر معنوی مجاهدین امام ابومحمد مقدسی حفظه الله ملاقات کرد و در همانجا بود که قرآن را از بر کرد و با شیخ مقدسی بیعت امام نمود.

در جریان محاکمه ابومصعب و یارانش حکومت اردن را کافر خواندند و جلسه دادگاه را به رسمیت نشناختند و حتی حاضر نشدند برای خود وکیل مدافع انتخاب کنند. اما پس از مدتی که حاکم اردن عفو عمومی اعلام نمود او آزاد شد.

او هنگامی به دیار افغانستان رسید که جنگ در مراحل آخر به سر می برد و توانست در کنار «گلبدین حکمتیار» و «جلال الدین حقانی» با نیروهای اشغالگر شوروی جهاد کند.

دوران بازگشت به اردن و زندانی شدن:

بعد از خروج شوروی های اشغالگر از خاک مجاهد ساز افغانستان گویی اختلاف بین مجاهدین افغان باعث رنجش شیخ ابومصعب رحمه الله شد پس تصمیم گرفت به وطن خود برگردد.

او پس از برگشت به اردن نیز روحیه شهادت طلبانه و جهادی خود را از دست نداد و تصمیم گرفت به مجاهدان فلسطینی که با اشغالگران اسرائیلی جهاد می کنند کمک کند. پس او تصمیم گرفت تا مقادیری

جهاد در عراق:

او در اوایل ورود به عراق به همراه یاران خود به جماعت انصار السنة پیوست که در جریان بمباردمان عراق توسط آمریکاییها بیشتر مجاهدان انصار السنة به شهادت رسیدند.

سپس از اشغال عراق توسط نیروهای صلیبی شیخ ابومصعب زرقاوی رحمه الله با تعدادی از مجاهدین شروع به شکار سربازان صلیبی کردند. شیخ ابوغیداء السوری که داکترداندان از سوریه بود. به تشکیلات جهادی شیخ ابومصعب مدیریت منظمی بخشید. ابومصعب بخاطر علاقه اش به امام ابومحمد مقدسی حفظه الله نام سایت او را بر روی

هجرت دوباره به افغانستان:

پس از آزادی از زندان ابومصعب (رحمه الله) تصمیم گرفت برای متحد شدن با مسلمین و جهاد با کفار دوباره به افغانستان هجرت کند. او پس از هجرت در هرات اردوی جهادی تشکیل داد تا با صلیبی ها بجنگد.

پس از حملات مبارک یازده سپتامبر سران طالبان و القاعده در قندهار نشستی برقرار کردند که ابومصعب هم به آن نشست دعوت شد اما امریکایی ها آنجا را بمباردمان کردند که بسیاری از مجاهدان بشهادت رسیدند. بعد از حمله صلیبی ها به افغانستان ابومصعب به عراق هجرت کرد.

همسران شیخ ابومصعب زرقاوی رحمه الله:

چنانچه گفتیم او در اوایل جوانی با دختری از خویشاوندان خویش ازدواج کرد و صاحب چهار فرزند شد. سپس در افغانستان با خواهر دوستش ازدواج کرد و در فلوجه عراق با یک زن عراقی ازدواج نمود.

جماعت جهادی خود گذاشت: «جماعت توحید و جهاد».

پس امام اسامه بن لادن رحمه الله ابومصعب را امیر مجاهدان عراق نامید و جهاد طلبان عرب با ملقب شدن شیخ ابومصعب به امیرالجهاد از طرف امام مجاهدشان به کشور عراق سرازیر شدند و شیخ ابومصعب همچنان پایه های «دولت اسلامی عراق» را بنانهاد و از آن به بعد به «القاعده عراق» معروف گردید.

شیخ ابومصعب جنگ چند جانبه را با نیروهای صلیبی و متحدانش و نوکران نیروهای صلیبی که روافض بودند آغاز کرد و صلیبی ها را انگشت به دهان حیران واگذاشت.

امت گرامی:

من با شما سخن می گویم سخنی که سبب اشتباه نمی گردد تا گوشهای شنوا و قلب درک کننده را در تو بیابم، بدون شک کسیکه پیشاپیش صف (جهاد) است دروغ نمی گوید.

دشمن صلیبی هنگامی که به عراق داخل گردید نیت داشت که بر همه امت مسلط گردد و دولت فرزندان صهیون (یهود) را بیشتر پایدارتر بگرداند و مساحتش را از نیل تا فرات گسترش دهد اما الله عزوجل فرزندان مجاهد این امت را علیه سخت ترین حمله های صلیبی بر دیار مسلمین توفیق ایستادگی میدهد.

پس بیشتر از سه سال میشود که علیه این حمله صلیبی ایستاده اند و درین راستا آنچه ارزشمند

پیامی به امت

الحمد لله معز الاسلام بنصره، ومذل الشرك بقهره، ومصرف الامور بامرہ، ومستدرج الكافرين بمكره، الذي قدر الايام دولاً بعدله، والصلوات والسلام على من اعلى الله منار الاسلام بسيفه. (حمد از آن الله ي است که عزت دهنده اسلام به نصرتش است و ذلیل کننده شرک به قهرش است و امور را به امرش تغییر میدهد و کافران را به مکرش به هلاکت نزدیک می گرداند الله ذاتی است که روزهای (دنیا) را به عدلش در میان بندگانش میدهد و دعاء و سلام بر کسی که الله منار اسلام را به شمشیرش برافراشت)

تشدید می یابد نمی بود حتماً از اخبار مجاهدین به حیرت می افتادی .

قسم به الله عزوجل این جنگ در حقیقت کارزاری از قهرمانی های است که نسیم های خوشگوار آن به دنبال یکدیگر بر ما می وزد پس ای امت مناسب است که ربت را شکر کنی به حمد و ثنا، او را بر این نعمت بسا بزرگ بستایی . الله عزوجل جمعی از فرزندان مجاهدت را آماده ساخت تا از ساحه تو دفاع کنند و خانه ات را نگهدارند. اگر این نعمت نمی بود اهل سنت در عراق در محاصره صلیبی های حقود ویا رافضی های (شیعه) غدرکننده می بود و زنان اهل سنت در آغوش صلیبی ها و رافضی ها حقود به کنیزی درآورده شده بودند و زندان ابوغریب و زندان های وزارت داخله رافضی از ما دور نیست .

و گرانبها است ، بذل می دارند مال ، وقت ، عرض و نفسهای شان را قربانی می کنند ، که درین راستا با دشوار ترین حمله های نظامی ، تبلیغاتی و اقتصادی مواجه اند .

همه این بخاطر دفاع از تو و دینت و فرزندان است در راه دفاع از محرّمات تو غیرت می نمایند الله عزوجل با لشکریانش آنها را متلاشی ساخت و جمع آنها را ریختاند و شکست شان برای هر انسانی که چشم و قلب درک کننده دارد ، آشکار گردیده است ، این فرزندان تواند که به فضل الله تعالی غزوه ی رادری غزوه و حمله ی را در پی حمله به راه می اندازند و به فضل الله عزوجل زمام امور را در میدان جنگ به دست دارند . اگر دسیسه سانسور رسانه ها که روزانه

وزمزمه زبان شان این است: (بارالهی ذلت وستم را از امتم بردار و مجد و عزت امتم را مجدداً بازگردان).

اما اداره امریکایی که در راس آن حمل کننده درفش صلیب بوش است برای او و کسی که در پیرامونش از یهودی ها و صلیبی ها و رافضی ها و مرتدین و دیگران حلقه زده اند، می گوئیم: هرگز در دیار اسلام لذت نخواهید برد قسم به الله در حالیکه رگی از ما در تپیدن و چشم ما در حرکت است هرگز حیات در دیار اسلام برای تان خوشایند نخواهد بود.

امیر ما و ولی امر ما شیخ اسامه حفظه الله و رعاه آتش بس طویل مدتی را به شما پیشکش کرد و برای تو و کسانی که با تو اند در آن هنگام خیر بود اما تکبر و برتری جویی تو، تورا باز داشت. و امروز به فضل الله تبارک و تعالی به شرق و غرب پناه میبرید در حالیکه

امت گرامی ام!

ما در عراق در مسافه پرتاب سنگ از مسیری رسول الله صلی الله علیه وسلم هستیم در عراق می جنگیم در حالیکه چشمان ما به سوی بیت المقدس است جاییکه مجدداً مسترد نمیگردد جز با قرآنیکه هدایت می کند و شمشیری که نصرت میدهد پس کافیست رب تو که هدایت کننده و نصرت دهنده است.

تجارب و ایام و دشواریهای جانکاه و مصایب ثابت ساخت که بعد از الله عزوجل این فرزندان مجاهد تو اند که به یاری تو می شتابند اینها قلعه استوار و سپر مستحکم تو و قلب تپنده تو اند به شادمانی تو شادمان می شوند و به غم تو اشک می ریزند شب به خاطر تو بیدار می مانند و بر تو غیرت می نمایند و قلب های شان از درد به حال تو پاره می گردند

نمی خوابند تا اینکه تابلیت های تخدیرکننده وزایل کننده عقل را نگیرند چون این تابلیت ها عقل را از آنها می ستاند و آنها مانند چهارپایان می گردند و جنرالان صهیونی و انجیلی تو، آنها را به کشتارگاه ها سوق می دهند؟!

چرا آنها را از فرار دسته جمعی سربازانت و ترمز فزاینده آنها آگاه نمی سازی؟!

ای دروغگوی شریر بدان که خوابهای راکه می خواهی متحقق بسازی تا تحقق آن خونها و پاره های اجسام افتاده اند و آینده به مدد الهی از این دشوارتر و تلختر است، نمایش دموکراسی گنبدیده که آن را در سرزمین رافدین (عراق) آورده ای و مردم را به آزادی و سعادت و استقرار مادی و روانی مژده دادای، همه ناپدید

حیران، نادم و شکسته اید مانند انسانی که از شیطان ممسوس شده است تا اینکه خیلی دروغگو شده ای، ملت و پیروانت را بازی میدهی و با افزایش ضربات مجاهدین بیشتر دروغگو می شوی و می لافی که اوضاع در کنترل است سپس به هر کسی دروغت آشکار می گردد. حال تو شبیه حال کسی است که خمر می نوشد و می خواهد از بیماری نوشیدن خمر نجات یابد!! تو با خود و ملت لحظه ای صادق نبوده ای با اینکه در اجداد اوایل تو کسانی بوده اند که در آنها صدق بود آنچه که تو از آن محرومی!! چرا حقیقت سربازانت و فروپاشی معنویات جنگی آنها را اظهار نمی نمایی؟ تا اینکه ملت حقیقت جنگ را بدانند چرا از خودکشی های فزاینده سربازانت آنها را آگاه نمی سازی؟! چرا برای آنها نمی گویی که سربازانت

امریکا درک کرده است که تانکها و جنگنده های هوایی و لشکرها و اجیرانش رافضی ها حاقد به امر الله هرگز نمی توانند درجنگ علیه مجاهدین پیروز شوند بنا براین، برنامه فریب دهنده را ریخته است تا بتواند از گذرگاه آن، علیه جهاد و مجاهدین دسیسه بچیند و با استفاده از اجیران منسوب به اهل سنت کسانی که خواستند ریسمانی گردند تا در گردن اهل سنت انداخته شوند، امریکا را از گودال شکست و هلاکت درعراق برهانند و درین راستا از کسانی استفاده می کنند که شعار اسلام را مانند نقابی می افزایند و اعمال سیاه شان را در ورای آن می پوشانند این خاینان به نیابت از سرداران شان زمزمه تشکیل دستگاه های اردو و پولیس را می نمایند به گونه عجیبی با مسلمین سخن می گویند

گردید و چنان پشت کرد که دیگر بازگشتی به یاری الله ندارد.

امروز سعی داری با توسل با هر حيله و وسیله میان اجیران مرتدت از موافقان و مخالفان جمع کنی و حکومت فسادى را تشکیل نمایی تا تو را از این تنگنای شدید که در برابر ملت و پیروانت در آن دست و پا میزنی نجات دهد! اما معتقدیم که هر حکومتی که در عراق تشکیل می شود و در تشکیل آن چه روافض حقود یا کردهای سیکولار وابسته به صهیونیست ها و اجیران خاین منسوب به اهل سنت باشند این حکومت اجیر و دست نشانده صلیبی ها است و به خاطر تشکیل گردیده است که خنجر مسمومی در قلب امت اسلامی باشد.

وسربازان شان خطاکار بودند." ما دعوت خود را تکرار می کنیم تا کسی که در زمینه تشکیل دستگاه های اردو و پولیس که به خاطر تنفیذ برنامه اشغالگر و تطبیق احکام کفری تلاش می ورزد، بر حذر باشد. اگر در چنین ارگانهای اجیر داخل می گردد قسم به الله به جز شمشیر برنده برای وی نزد ما چیزی دیگری نیست و در میان ما و اینها جنگ های اندک که از شدت آن موهای کودکان سفید می شود.

الله می فرماید: {الذین آمنوا یقاتلون فی سبیل الله والذین کفروا یقاتلون فی سبیل الطاغوت فقاتلوا اولیاء الشیطان ان کید الشیطان کان ضعیفا} {النساء: ۷۶}.

"کسانی که ایمان آوردند در راه الله می جنگند و کسانی که کافر شدند در راه طاغوت می جنگند پس

وزهر را در عسل داخل می نمایند و فراموش کرده اند یا خود را به فراموشی زده اند که در مسیر تاریخ معاصر، هر اشغالگر کشوری از کشورها، از داخل کشور اشغال شده نایبی را چون روپوش در نزد ملت می ستاند تا برنامه های اشغال متحقق گردد و سرمایه های ملت به غارت برده شود و منافع خبیثه اش در زمین متحقق گردد.

الله عزوجل می فرماید:

{ومن یتولهم منکم فانه منهم} (المائدة: ۵۱)"

وکسی که از شما متوالی آنها گردید (با آنها موالات دوستی کرد وهم پیمان شد) پس وی از آنها است در احکام دنیا و آخرت."

وگفت: {ان فرعون وهامان وجنودهما کانو

خاطئین} {القصص: ۸}. "بی گمان فرعون، هامان

سعی جدی عملی در راستای برتر گردانیدن کلمه الله نداشته باشند. البته وسایلی که آن را الله شرعی دانسته است نه پارلمان های شرکی طاغوتی که در آن کلمه الله به دیگر قوانین وضعی شریک می گردد، چون هدف مبرر وسیله نیست. حتی اگر این دو گروه و کسانی که موعید اینها اند زعم کنند که می توانند از راه پارلمانها شریعت را حاکم بگردانند، واقعیت عملی و تجربه تاریخی این زعم را می شکنند و تکذیب می دارد، اگر کسی به دقت نقشه عراق را بنگرد می یابد که بر علاوه از افرادی دارنده روش عقیدوی گوناگون اغلبیت کرسی ها پارلمان را شیعیان یا کرد ها و سنی های سیکولر تشکیل می دهند که این نشان دهنده این است که پله سنگین در پارلمان ها همیشه از آن طواغیت است.

با اولیای (دوستان) شیطان بجنگید بدون شک که کید شیطان خیلی ضعیف است"

با این شکست آشکار دشمن و وسایل فاسد جنگی اش، امروز سعی دارد که دو گروهی از مردم را به نمایش پارلمان ساختگی بکشاند تا ثمره جهاد مجاهدین را بستاند مجاهدینی که سعی دارند کلمه الله برتر باشند.

گروه اولی کسانی اند که می خواهند خود را به مجاهدین بچسبانند و به آنها نزدیک شوند در حالیکه در هنگام اشغال عراق نه در تکالیف جهاد زیسته اند و نه در فضای جهاد. و صنف دومی کسانی اند که در آغاز اشغال در قتال صلیبی ها شرکت جستند اما اعمال انسان منوط به خاتمه آن است اعمال شان شرعاً هرگز صالح نمی باشد تا اینکه

اما شما ای مجاهدین صادق و صابر!

الله عزوجل اعمال صالح ما و شما را قبول نماید و جهاد و رباط تان را خجسته بگرداند شما به فضل الله و توفیق او توانستید که این پیشقدمی صلیبی ها را بر امت اسلام متوقف نمایید و شدیداً آنها را زخمی بگردانید. آنها درحالی است که هرگز کسی این حالت را تمنا نمی نماید. جهاد تان را ادامه دهید و عملیات نظامی تان را شدت ببخشید و به ضربات تان بیفزایید قسم به الله که این فتوحات است این لحظات اخیر است قبل از اینکه بندگان صلیب شکست شان را در عراق اعلان نمایند.

فروپاشی اراده جنگی، صفت برازنده در لشکریان صلیب است، نیت ها را تجدید نمایید و نهان ها را اصلاح کنید بر دشمن حمله ببرید دشمن تان امروز

الله گفت: {واحذرهم ان یفتنوک عن بعض ما انزل الله الیک} {المائده: ۴۹} "از آنها بر حذر باش که مبادا تو را از برخی آنچه که الله نازل کرده است دچار فتنه سازند".

وگفت: {الم ترالی الذین یزعمون انهم آمنو بما انزل الیک وما انزل من قبلک یریدون ان یتحاکموا الی الطاغوت وقد امروا ان یکفروا به ویرید الشیطان ان یضلهم ضلالا بعیدا} {النساء: ۶۰}

"آیا به کسانی ندیدی که زعم می دارند که آنها به آنچه که به سوی تو نازل شده است و قبل از تو نازل شده است ایمان آوردند می خواهند که به طاغوت فیصله کنند در حالیکه مامور شده اند که به آن کفر بورزند و شیطان می خواهد که آنها را گمراهی بسا دوری نماید".

ای طلیعه امت:

کی ها به فریاد این زنان بیوه میشتابند و کی ها این زنان آزاده را از زندان های صلیبی ها رها سازند کی ها اند که دوشیزگان عفیف را از زندان های رافضی های حقوق نجات بدهند؟

بارالها حیاتی نیست مگر حیات آخرت پس انصار و مهاجرین را پیروز بگردان.

شدیداً بر حذر باشید از قطاع طریقان و صلیبی ها که تلاش دارند یکجا علیه جهاد تان دسیسه بچینند سلاح را بر زمین مگذارید و اگر گذاشتید بدون شک در آن وقت حسرت و ندامت و رسوایی و ملامتی و ذلت و عار در دنیا و آخرت است.

شما شب و روز الله را دعاء می کردید که راهی را برای جهاد در افغانستان و چیچن و غیره مناطق میسر

فاقد پشتیبانی گردیده است اراده ندارد عزیمتش خیلی ضعیف است
استخوانش شکسته است پس وی را فرصت ندهید که نفس بگیرد و ضربات تان را یکی پی دیگری بر آنها به کوبیدن بگیرید.

پس ای لشکرالله سوار شو ید و ای حمل کننده گان درفش برخیزید کجا اند شیران انبار؟ و کجا اند شیران صلاح الدین؟ و کجا اند مردان بغداد؟ و کجا اند سوارکاران نینوا؟ و کجا اند قهرمانان دیالی؟ و کجا اند شهسواران کردستان؟ و کجا هستید شما ای شیران توحید؟ و کجا یید ای نواده گان خالد و مثنی و سعد و مقداد و صلاح الدین؟ و کجا اند مهاجران و کجا اند انصار؟ صاحبان توبه و انفال کجا اند؟ و کجا اند اهل دوسوره فتح و قتال؟

"و اگر پشت کردید الله قومی دیگری را غیر از شما می آورد و مانند شما نمی باشند".

و در ختام امت را به تشکیل مجلس شورای مجاهدین در عراق مژده میدهم که به زودی اساسی شود برای برپایی دولت اسلامی که کلمه الله در آن برتر است.

الحمد لله مساعی مشترک می گردد و دست به سوی یکدیگر دراز می گردد تا با یکدیگر بر اساس طاعت الله و رسولش صلی الله علیه وسلم و جهاد در راه الله مصافحه نمایند و این شوری چتر برای هر مجاهد صادق میباشد و برای من شرف است که یکی از اعضای این مجلس مبارک به رهبری خجسته آن می باشم با اینکه امیر تنظیم قاعده در عراق هستم.

بگرداند پس الله شما را اختیار کرد و تجارت جهاد را در دیارتان برپا داشت و ابواب جنات را برای شما گشود و به شما اراده خیر کرد.

پس ای مجاهدین مبادا این دروازه ها را به گناهان تان ببندید و مانند زنی باشید که آنچه را که بافت همه را متلاشی گردانید.

اگر بازار جهاد در دیارتان متلاشی گردید بدون شک که الله بر شما خیمه ذلت را برمیافرازد و ذلیل ترین مردم را بر شما مسلط میگرداند و شما را بدترین عذاب می چشانند و فرزندان تان را به قتل میرسانند و زنان تان در قید حیات می گذارند و الله این نعمت را از میان شما بلند میکند.

{ وَإِنْ تَوَلَّوْا يَسْتَبَدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَالَكُمْ } [محمد ۳۸]

شهادت شیخ ابومصعب زرقاوی:

سرانجام شیخ ابومصعب زرقاوی در سال ۲۰۰۶ میلادی در هشت کیلومتری شهر یعقوبه عراق با بمباردمان نیروهای صلیبی به شهادت رسید انا لله وانا علیه راجعون و تقبله الله.

اما بهترین سخن از حادثه شهادت شیخ رحمه الله را یکی از همسایگان او به نام احمد محمد نقل میکند:

«منزلی که شیخ رحمه الله در آن سکونت داشت جای خرید و فروش خرما و بقیه محصولات بود. این منزل و باغ را صاحب آن به شخصی که ابو عمر نام داشت و از اهالی بغداد بود به ۷۰ میلیون دینار فروخته بود. و این خرید و فروش ۱۲ روز قبل از

خادم جهاد و مجاهدین المعتز بالله تعالی .
برادر شما

ابومصعب الزرقاوی

روز جمعه ۲۳ ربیع الاول سال ۱۴۲۷ موافق با ابریل ۲۰۰۶ میلادی

(قسم به الله که امریکا به اذن الله در عراق شکست میخورد و از سرزمین عراق شکست خورده و ذلیل و نادم و حقیر به یاری الله بیرون می شود)

کنون او را ندیده بودم فقط از روی اخبار و رسانه ها او را دیده بودم و شناختم. او را در حالی یافتیم که چشمانش به سوی آسمان بود و انگشتهایش را به بالا می برد و مرتب این جملات را تکرار می کرد "الله اکبر .. الله اکبر ... لا اله الا الله محمد رسول الله بعداً" این جمله را گفت اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد ان محمداً عبده و رسوله ، و ریش مبارکش با خاک یکسان شده بود و موهای دراز داشت ، سپس او را از زیر خشت و خاک بیرون آوردیم و در آن هنگام ، اری در آن هنگام که من او را بلند کردم خون از چهره و سینه مبارکش جاری شد و احساس شکستگی در پشتش کردم یک لبخند کوچکی زد و پیوسته با سختی می گفت "لا اله الا الله وحده لا شریک له و محمداً عبده و رسوله" در آن هنگام موترهای امبولانس فوراً

شهادت شیخ بود. تقریباً ساعت ۶ صبح بود که ۲ عدد موشک به همین خانه و باغ شلیک شد و تمامی آنرا از بین برد و همچنین خساراتی را به خانه ی من نیز وارد ساخت. بعد از ۱۰ دقیقه دود بسیار غلیظی از آن منطقه بلند شد. فوراً من و برادر و پسر کاکایم به سوی آن نقطه دویدیم و چند تا جنازه را آنجا دیدیم. مردی را دیدیم که پاهایش قطع شده بود و یک جنازه را دیدیم که تکه تکه شده بود و همچنین جنازه ی ۲ زن را دیدیم که کشته شده بودند. ما برای بقیه ی جنازه ها می گشتیم شاید که زنده در آن پیدا شود ، ناگهان برادرم فریاد زد که صدای یک نفر می آید ..

ما به سوی آن مکان دویدیم که ناگهان چشمم به ابو مصعب افتاد بلی آن شخص شیخ رحمه الله بود تا

این طرف و آن طرف می کردند ، و من صدای او را می شنیدیم که می گفت

" اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد ان محمدا عبده و رسوله "

در آن هنگام سربازان شروع به کوبیدن سر و صورت شیخ با بوت و موزه ها کردند و در آن لحظه جان را تسلیم کرد و بقیه جنازه ها را به شفاخانه بردند . سپس من و برادر و پسر کاکایم را در آن مکان دستگیر کردند و با خود بردند و جنازه ی شیخ را بوسیله ی یک هلیکوپتر از منطقه دور کردند . احمد محمد چنین داستان را ادامه می دهد و می گوید من این داستان را نقل کردم و در برابر الله عزوجل در روز قیامت مسئول سخنان خود هستم و من از هیچ کس نمی ترسم و همه من را می شناسند و در هبهب

رسیدند و ما به او گفتیم که مردی در آن جا وجود دارد که حالتش خیلی وخیم است و به کمک احتیاج دارد " بدون اینکه ما او را با خبر کنیم که این مرد ابو معصب زرقاوی است " . بعد از چند دقیقه فوراً نیروهای امریکایی رسیدند . در آن هنگام ما شیخ را با خود حمل می کردیم به محض اینکه او را دیدند ایشان را از ما گرفتند و به روی زمین انداختند و شیخ پیوسته ذکر و یاد الله سبحان و تعالی را می کرد لبخند از چهره اش دور نمی شد و چشمانش به سوی آسمان بود . . .

سربازان سرگوشی با هم صحبت کردند و در آن هنگام دانستم که انها شیخ را شناسایی کرده اند . در آن وقت بیش از ۲۰ سرباز اطراف او را گرفته بودند و او را به هر طور که می خواستند تکان میدادند و او را

زندگی می کنم و هر شخصی که از من بپرسد این حقیقت را برایش ذکر خواهم کرد»

کلام آخر

اما در آخر که این رساله مبارک را به اتمام می رسانم لازم است اولاً از اخ الکریم ابوخراسان حفظه الله مدیر محترم انجمن جهادی راه جهاد بابت سفارششان به نوشتن این مقاله تشکر کنم و از الله سبحانه و تعالی برای ایشان طلب فزونی نعمت و فردوس برین نمایم و ثانیاً از خوانندگان گرامی بابت کم و کاست مقاله عذرخواهی کنم. دلیل این امر کمی وقت و مشکلاتی است که بعضی برادران متوجه آن هستند. در هر صورت ما را از دعای خیرتان بی بهره نگردانید.

احمد ظاهر اسلمیاری

ما اینجا، برای مشتی خاک یا برای مرزهای موهومی که سایس و پیکو ترسیم کرده اند، نمی جنگیم و نیز برای آن نمی جنگیم که طاغوتی عربی جای طاغوتی غربی را بگیرد، بلکه جهاد ما والاتر و متعالی تر است. ما برای اعلاء کلمة الله می جنگیم تا دین و عبودیت خالصانه از آن الله گردد: { وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ: و با آنان پیکار کنید تا فتنه ای (غلبه کفر و شرک) باقی نماند و دین خالصانه از آن الله گردد}. [انفال/39].

و هر کس که با این هدف مخالفت کند و یا در راه رسیدن مان به این هدف مقابل ما بایستد، چنین کسی دشمن ما و هدف شمشیرهایمان است، به هر نام و نسبی که باشد. ما دینی داریم که الله آن را به عنوان میزان و داور فرو فرستاده است، سخنش فیصله بخش و قاطع بوده و حکمش گزافه و شوخی نیست، این دین نسب بین ما و مردم می باشد، موازین ما - بحمدالله - آسمانی، احکاممان قرآنی و قضاوتهایمان نبوی است. امریکایی مسلمان برادر محبوب ماست و عرب کافر دشمن منفور ما، حتی اگر ما و او در یک رحم مشترک باشیم.

ابو مصعب زرقاوی رحمه الله

مرکز نشراتی الصادقین

al_sadeqeen@yahoo.com

